

انقلاب کمونالیستی

اولیویه بوزاسنو



ترجمه‌ی هومن کاسبی



منظور از انقلاب کمونالیستی شکل دادن به کنفدراسیونی متشکل از اجتماعات خودگردان است. این تئوری به مورای بوکچین، نظریه‌پرداز آنارشویست تعلق دارد و در دهه‌های اخیر مورد پذیرش برخی جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی و ضدسرمایه‌داری قرار گرفته که تازه‌ترین و نزدیک‌ترین مورد آن حزب کارگران کردستان ترکیه و شاخه‌های آن است.

براساس این نظریه، دولت - ملت همزاد سرمایه‌داری و بدین ترتیب در حقیقت خود بخشی از مسأله است و نمی‌تواند راه‌حلی بر آن باشد. بدین ترتیب، ایجاد دولت دموکراتیک ماهیتاً متناقض و خلاف دستورکار دموکراتیک است، چراکه این نهاد در نهایت چیزی نیست مگر مجموعه‌ای بوروکراتیک که میل به گسترش دارد و محدودکننده‌ی آزادی‌های فردی و اجتماعات است. در برابر این شکل سیاسی، بوکچین طرح کنفدرالیسم دموکراتیک اجتماعات خودگردان را ارائه می‌کند.

اما به نظر می‌رسد، در این بدیل پیشنهادی بسیاری از پرسش‌ها نیز بدون پاسخ رها می‌شود. برای مثال، تکلیف آن دسته از دارایی‌های مشترک که نیازمند مدیریت متمرکز است چه می‌شود؟ چه‌گونه در یک اقتصاد مدرن پیچیده می‌توان در سطحی فرامنطقه‌ای به تخصیص منابع و برنامه‌ریزی برای مقابله با رشد مرکب ناموزون دست زد؟... و بسیاری پرسش‌های دیگر که نیازمند تدقیق و تأمل و ژرف‌اندیشی و البته پراکسیس است. از این‌رو، انتشار متن حاضر، فراخوانی است برای بحث و گفت‌وگوی بیشتر در این زمینه، شناخت جزئیات این بدیل پیشنهادی و امکانات تحقق‌پذیری آن در یک اقتصاد مدرن پیچیده.

آن‌چه می‌خوانید مقدمه‌ی اولیه بوزاسنو، از چپ‌گرایان سرشناس فرانسه، برای ترجمه‌ی فرانسوی یادداشت‌های زندان عبدالله اوجالان است. (نقد اقتصاد سیاسی)

متنی که در ادامه می‌آید، به همت انجمن «ابتکار عمل بین‌المللی برای آزادی اوجالان» در سال ۲۰۲۰ به زبان فرانسوی منتشر شد. ترجمه‌ی این پیشگفتار تقدیم می‌شود به تمام زنان و مردان مبارزی که در سراسر ایران و شرق کردستان برای رهایی خود شجاعانه می‌جنگند. برای آزادی خلق‌ها.

«ژن، ژیان، نازادی»

این مجموعه‌ی متون دعوتی است برای کشف و درک گستره‌ی تطور مواضع استراتژیک حزب کارگران کردستان، پ‌ک‌ک، سازمانی سیاسی که تقریباً چهل سال است سلاح به دست برای حق تعیین سرنوشت مردم کرد در کشورهای متعددی در خاورمیانه می‌جنگد. مقالات پیشنهادی همه به دست عبدالله اوچالان نوشته شده‌اند که دولت ترکیه برای بیش از بیست سال در زندان [جزیره‌ی امرالی] محبوس کرده است. مهم‌تر از همه، این کتاب ما را دعوت می‌کند تا دیدگاه خودمان را آگاهانه بر اساس نوشته‌های اصلی او شکل دهیم و نه از خلال فیلتر معمول انتقاد یا دفاعیه. در اینجا دسترسی مستقیمی به منبع نظری این فرماسیون مارکسیستی و انقلابی [یعنی پ‌ک‌ک] می‌یابیم که بدون انکار هیچ‌یک از اعتقادات بنیادین خود، به تغییرات ژرفی در جهت‌گیری خود دست زده است. همچنین دعوت می‌شویم به درک دقیق‌تر انگیزه‌های اومانستی آن هزاران زن و مردی که دلاورانه در روژاوا مقاومت می‌کنند، آن بخش از جهان که بین دیکتاتوری اردوغان، رژیم شکنجه‌گر اسد و خلافت تاریک‌اندیش و آدمکش دولت اسلامی گرفتار شده است. هر یک از این سرزمین‌ها آوردگاه منافع قدرت‌های اقتصادی اصلی نظیر ایالات‌متحده، روسیه یا فرانسه نیز باقی می‌ماند. در همین مکان‌هاست که این مردان و زنان مبارز، برخلاف همه‌ی احتمالات و با شهامتی بی‌نظیر، در تاباندن نور امیدی بر این دنیای بیمار با تجربه‌ای منحصر به فرد از حیات جمعی که «کنفدرالیسم دموکراتیک» نامیده می‌شود، پافشاری و ایستادگی می‌کنند. پروژه‌ای سیاسی که آمال آن عبارتست از رهایی اجتماعی، دموکراتیک، بوم‌شناختی و فمینیستی. زندگی کردن، و نه صرفاً زنده ماندن در برزخ جامعه‌ی مدرن، بر اساس قواعدی متمایز از قواعد نظم مسلط؛ چنین است قمار استراتژیکی که این جریان مطرح می‌کند، جریانی که ایده‌هایش در حین اجرا به تدریج درون مردم کرد و فراسوی آن هژمونیک گشته‌اند. گاهی تجارب پرهرج و مرج به دلیل اوضاعی که بر منطقه سنگینی می‌کند: جنگ، وضعیت محاصره یا اشغال نظامی. سرآغاز ملموس جامعه‌ای که از این حسن برخوردار است که برای وجود داشتن تلاش می‌کند و از کارکرد قبیله‌ای فراتر می‌رود بدون این که کاپیتالیستی شود.

کنفدرالیسم دموکراتیک قصد ندارد یک مدل سازمانی حاضر آماده ارائه دهد یا در مقام اتوپیایی تحقق یافته، بی نقص و انجام شده ایفای نقش کند؛ هیچ جاه طلبی دیگری ندارد جز این که در عمل نشان دهد سازمان اجتماعی و دموکراتیک دیگری امکان پذیر است. به طور ضمنی نشان دهد که جهانی دیگر را می توان متصور شد و بنا کرد. در این بستر، بنابراین مهم است که آن را به خاطر همان چه هست، ارج نهیم: یکی از آزمایش های نادر انسانی هم عصر ما در مقیاس وسیع که به مخالفت با فرامین کاپیتالیسم جهانی مستقر برخاسته است.

خواندن آثار او جالان همچنین فرصتی است برای غلبه بر برخی پیش داوری ها در رابطه با مسئله ی کرد به طور اعم و پ ک ک به طور اخص. ایده ها یا قضاوت های پیش پنداشته سرسخت هستند و اغلب با بقایای جانب دارانه از زمان گذشته، اختلافات تاکتیکی در زمان حال و گاهی اوقات با جهل صادقانه بدون بدخواهی نابه جا پیوند دارند. بسیاری از افراد، تصاویری کوتاه از این حزب را به یاد می آورند: معمولاً سیاه و سفید، مانند انکساری از تاریخ گذشته، حداکثر یک پرچم، هر چند رنگ پریده، و همچنین چهره یا سایه ای از او جالان. پرهیب رزمندگان گاهی از میان مه سر برمی آورد تا جلوه ای گذرا بر صفحه ی تلویزیون ما داشته باشد. به ویژه از آنجا که حساسیت قضیه بالاست. چگونه می توانیم فراموش کنیم که بخشی از سرنوشت ما بارها و بارها در آنجا رقم خورده است و احتمالاً دوباره در آنجا رقم خواهد خورد؟ آیا می توانیم اعمال و رخدادهایی را که به ما یادآوری می کنند سرنوشت ما چقدر به هم پیوند خورده است، از آگاهی خود پاک کنیم؟ در پایان ژانویه ی ۲۰۱۵، چند روز پس از اولین حملاتی که قرار بود جامعه ی فرانسه را برای همیشه به سوگ بنشانند، نیروهای ی پ گ، سازمان خواهر پ ک ک در سوریه، موفق شدند در شمال کشور شهر کوبانی را از بند داعش برهانند و آن هم به قیمت جان های قهرمان بسیاری. برای یک لحظه، کوبانی به مرکز جهان تبدیل شده بود، به بیان دقیق تر مرکز جهان کوفته و زخم خورده ای که رویارو با گسترش دولت اسلامی به خود می لرزید. برای ساعت های بی پایان، به نظر می رسید نجات مشترک همه ی ما به ی پ گ بستگی دارد که کوچه ها و محله های شهر را

یک‌به‌یک از دست داعش آزاد می‌کرد. چه کسی به یاد می‌آورد؟ چه کسی به آرمان‌های آن کسانی اهمیت می‌دهد که رفتند تا در جبهه جان دهند؟

این کتاب همچنین امکانی را فراهم می‌کند تا نیروی جمعی‌ای که مردم کرد را برمی‌انگیزد، به قالب کلمات سیاسی درآید. خواندن آن ممکن است شما را سردرگم و شگفت‌زده کند. امیدوارم شما را به همان اندازه مشوش سازد که من را، درعین حال که وارث یک سنت انقلابی هستم - هرچند متفاوت از سنت اوجالان، سنتی که ایده‌های خودم را بر اساس آن استوار ساخته‌ام.

آنچه در ابتدا غیرمنتظره می‌نماید، این است که این کتاب بیشتر بیان تأملات شخصی با صدای بلند است تا مسئله‌ی ترویج حقایق یا طرح توصیه‌ها. اوجالان از طریق این متون، آشکارا سؤالات و بلوغ سیاسی خود را با ما در میان می‌گذارد. او با هدف متقاعد کردن ما به اعتبار مواضع خویش که به تدریج مورد بازنگری قرار می‌گیرند، درون چارچوب بحثی گشوده در باب تاریخ و چالش‌های عمده در حال پیش‌روی در جهان، نتیجه‌ی تأملات خود را به‌طور مبسوطی بدون حاشیه‌روی ارائه می‌دهد. بحث در اینجا بر مسائل درازمدت و بسیار استراتژیک، مانند مسئله‌ی ملی، دولت یا حتی بوم‌شناسی و فمینیسم، متمرکز است. هرکسی که به خود زحمت دهد این صفحات را بخواند، از شفافیت و فهم‌پذیری سخنان او شگفت‌زده می‌شود. سبک سراسر است و مستقیم این نوشتار، ورود به میدان بحثی محدود و وجودی را آسان‌تر می‌سازد: چگونه می‌توان جامعه‌ای را به‌طور مؤثر بنا کرد که از بن‌بست‌های نظام کنونی رها شده باشد؟ اوجالان برای حمایت از افکار خود تلاش می‌کند تا همه‌ی ملاحظات تاکتیکی را بر پایه‌ی اهداف بنیادین استوار سازد. این مسئله شامل انتخاب مبارزه‌ی مسلحانه نیز می‌شود، زیرا زمانی که قصد ساختن داریم و نه فقط مقاومت، سلاح کافی نیست: «پ‌ک‌ک باور داشت که مبارزه‌ی مسلحانه برای اعمال حقوقی که کردها از آن محروم شده‌اند، کافی است». قبل از تفنگ، سیاست و فرضیه‌های استراتژیک پرشمار آن هست که بر اساس ارزیابی‌های عمل‌گرایانه بی‌اعتبار یا تأیید می‌شوند.

«سوسیالیسم دموکراتیک» مورد‌ادعای اوجالان قصد ندارد در زمره‌ی آن دگم‌های متحجری طبقه‌بندی شود که بر دوش سازمان‌هایی که مدعی به‌اصطلاح مارکسیسم ارتدکس هستند، سنگینی کرده‌اند و هنوز سنگینی می‌کنند. ایده‌ی او از سوسیالیسم

ثابت نیست: تکامل می‌یابد و با اندیشه‌ای هدایت می‌شود که می‌خواهد مدام خودش را زیر سؤال ببرد. در این چارچوب، اوجالان جنبش خود را دستخوش تغییر جهت رادیکالی می‌سازد: از این پس، «خودمختاری از مسیر آفرینش دولت-ملت کردی» نمی‌گذرد، بلکه از طریق استقرار دموکراسی «از پایین» و بنابراین «خودگردانی دموکراتیک» یا «اداره‌ی سیاسی غیردولتی»: کنفدرالیسم دموکراتیک. گسست در عین تداوم، و انقلاب‌های کوچک در انقلاب بزرگ. زیرا هم تحولی بزرگ در مواضع سنتی مبارزات آزادی‌بخش ملی است و هم انشعابی بزرگ از شاخه‌های مختلف مارکسیسم. و به دلایل موجه: اوجالان در ابتدا از ایده‌ی مسلط دولت-ملت فاصله می‌گیرد که وجه مشترک اکثر جنبش‌های مردمی است که در برابر استعمار، ستم یا اشغال نظامی مقاومت می‌کنند. ایده‌ای که بر اساس آن، مردمی که از حقوق خود محروم شده، اگر خواهان وجود دموکراتیک است، باید خویشتن را به‌مثابه ملت قوام بخشد و به این منظور به دولت خودش دست یابد. اوجالان اینک پروژه‌ی «ملت دموکراتیکی که با پرچم‌ها و مرزها تعریف نمی‌شود» و «مبتنی بر دموکراسی است نه ساختارهای دولتی» را در تضاد با دولت-ملت مطرح می‌کند. زیرا به گفته‌ی او، «دولت-ملت با دور کردن جامعه از دموکراسی، آن را در معرض ستم و همگن‌سازی قرار می‌دهد». بنابراین، دولت-ملت راه‌حل‌هایی از استبداد نیست، زیرا خودش بخشی از مشکل است.

آیا این استراتژی جدید برای حق تعیین سرنوشت مردمان در همه‌جا و همه‌ی زمان‌ها معتبر است؟ اوجالان به این پرسش پاسخی نمی‌دهد، اما این بحث خوشبختانه دیگر به راه افتاده است. حال به کسانی که مبارزات را در چهارگوشه‌ی جهان رهبری می‌کنند - و از همبستگی ما نیز برخوردار هستند - بستگی دارد که درباره‌ی این پیشنهاد بحث کنند یا نه. با این حال، اوجالان هنگامی که استدلال خود را بسط می‌دهد و به سرشت ذاتاً بوروکراتیک دولت اشاره می‌کند، بحث را در فراسوی آن صفوف برمی‌انگیزد. او به این ترتیب جنبش کارگری را در کل به چالش می‌کشد. زیرا دولت در واقع بی‌طرف نیست: «موجودیتی که ساختار آن عمدتاً نظامی است». بنابراین دموکراسی نیست، بلکه متضاد آن. «دولت‌ها بر مبنای زور هستند و دموکراسی‌ها بر مبنای اجماع جمعی». دولت تمثال متبلوری از «بوروکراسی مدنی و نظامی» است، «دولتی متمرکز با صفات

تقریباً الهی که جامعه را کاملاً خلع‌سلاح کرده و استفاده از زور را به انحصار خود درآورده است». کاریکاتور آدمکش کمونیسم که به اصطلاح سوسیالیسم بوروکراتیک «واقعاً موجود» نامیده می‌شد، نه تنها میلیون‌ها انسان را نفی بلد کرد و جانشان را گرفت، بلکه ایده‌ها را نیز تا حدی مخدوش و فاسد ساخت که ادعا شود موضع اوجالان تجدیدنظری در مارکسیسم است و حتی در نفی آن.

به طرز پارادوکسیکالی، اشارات اوجالان در باب این موضوع با رشته‌ی اصلی مارکسیسم پیوند دوباره‌ای می‌خورد که مدت طولانی زیر آوارهای ایدئولوژیک استالینیسم مدفون شده بود. زیرا در اینجا دشوار نتوان پژوهاک دوردستی از آهنگ صدای کارل مارکس را شنید که با شور و اشتیاقی تقریباً لیبرترین، نیروی محرکه‌ی کمون پاریس ۱۸۷۱ را تحلیل می‌کرد (جنگ داخلی در فرانسه). کمونی که مارکس در آن زمان به‌مثابه «شکل سیاسی سرانجام یافت‌شده‌ی رهایی» توصیف کرد، دموکراسی حقیقی که از دست‌به‌دست شدن اهرم‌های دولت خرسند نمی‌شود، بلکه برعکس ارگان‌های بوروکراتیک و نظامی دولت را برمی‌چیند. کمون «نفی آشکار امپراتوری دوم» بود، «انقلابی علیه خود دولت، آن سقط ماوراءطبیعی جامعه»، «آن مار بوی درهم‌کوب که بدن زنده‌ی جامعه‌ی مدنی را می‌فشارد». البته زمان، مکان و شرایط، کمون پاریس ۱۸۷۱ را از کنفدرالیسم دموکراتیک - که به آن «کمونالیست» نیز می‌گویند - و از روزاوا در سال ۲۰۲۰ دور می‌کند. بنابراین بحث کپی‌برداری از تجربیات انقلابی بین آن‌ها یا کپی پیست کردن نظریه‌ها نیست؛ بلکه توجه دقیق و ویژه به طنین‌های تاریخ. رشته‌های نامرئی که مبارزات دیروز را به مبارزات امروز وصل می‌کنند، همچنان در انتظار برقراری‌اند. از این نظر، انترناسیونالیسم معنای کامل خود را می‌یابد. دوام جامعه‌ای دموکراتیک در کردستان بر اساس مشارکت مردمی در یک چارچوب فدرال، چندفرهنگی و چندقومیتی، بدون هژمونی مذهبی، به اقدامی که در اینجا انجام می‌دهیم نیز بستگی دارد. و متقابلاً ما می‌توانیم و باید به نیروهای محلی اجازه دهیم مبارزه‌ی خود را پیش ببرند، به‌ویژه با محروم کردن همه‌ی دشمنانشان از همدستی و حتی حمایت مؤثر حاکمانمان. ما می‌توانیم و باید خواهان حذف پ‌ک‌ک، یک‌بار برای همیشه، از فهرست سازمان‌های «تروریستی» اروپا شویم. در نهایت، می‌توانیم و باید برای پایان دادن به این بی‌عدالتی، آزادی عبدالله اوجالان را مطالبه

کنیم و در نتیجه به گفتگوی پیکارجویانه‌ای که او از طریق نوشته‌هایش خواستار آن می‌شود، این بار شخصاً و رودررو ادامه دهیم.

Abdullah ÖCALAN (Author), Olivier BESANCENOT (Preface), La Révolution communaliste Pocket Book – February ۶, ۲۰۲۰.